

تفکیک وظایف

"بانک مرکزی" و "وزارت امور اقتصادی و دارایی"

مقدمه‌ای بر بازشناسی مبانی "قانونی" و "نظری"

مرتضی والی‌نژاد

پیشینه تاریخی

فعالیت بانکداری نوین در ایران، از سال ۱۲۶۶ با ایجاد بانک انگلیسی آغاز گردید. در سال ۱۳۰۴ نخستین بانک با سرمایه ایرانی که بانک سپه فعلی باشد، شروع به فعالیت نمود. متعاقب آن، مجلس شورای ملی با تصویب قانون "اجازه تاسیس بانک ملی ایران برای پیشرفت امر تجارت و فلاح و زراعت و صناعت" در ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶، دولت وقت را ملزم به تشکیل بانک ملی ایران کرد.

از سال ۱۳۰۹ انتشار اسکناس به این بانک محول گردید و از ابتدای سال ۱۳۱۱ هم اسکناس‌های بانک ملی ایران انتشار یافت. از مرداد ماه ۱۳۱۷ افزون بر عملیات بانکی، وظایف زیر نیز به این بانک واگذار شد:

- حفظ ارزش پول و موازنه ارزی؛

- تنظیم اعتبارات کشور؛

- نظارت بر فعالیت سایر بانکها و در واقع، انجام وظایف بانک مرکزی و رهبری و هدایت اقتصادی کشور.

تا سال ۱۳۲۵ ضوابطی در مورد فعالیت‌های بانکی در ایران وجود نداشت، اما طی تصویب‌نامه‌ای که در تیرماه ۱۳۲۵ صادر شد، برای نخستین مرتبه مقرراتی در مورد فعالیت بانکها و موسسه‌های اعتباری پیش‌بینی گردید.

نظر به این که با توسعه بانکداری در ایران، لزوم وضع مقررات خاصی برای هدایت عملیات بانکی بیش از پیش احساس می‌شد و مقررات موجود (تصویب‌نامه‌ها) نیز وافی به مقصود نبود، لذا فکر تدوین قانون بانکداری قوت گرفت و پس از مطالعاتی که در این مورد به عمل آمد، "لایحه قانونی راجع به بانکداری" تهیه شد و در تاریخ هشتم تیرماه ۱۳۳۲ به تصویب نخست‌وزیر وقت رسید و پس از اصلاحاتی که توسط

کمیسیون‌های مربوط به عمل آمد، در تاریخ پنجم تیرماه ۱۳۳۴، تحت‌عنوان "قانون بانکداری" از تصویب کمیسیون‌های مشترک مجلسین گذشت.

بنا بر تجویز مواد ۱۷ و ۲۵ این قانون، هیات نظارت بر بانکها برای نظارت بر جریان اعتبارات کشور و بازرسی سازمان و عملیات بانکها، با وظایف و اختیارات زیر تشکیل گردید:

- مراقبت بر اجرای قانون موصوف و آیین‌نامه‌های مربوط به آن؛

- تعیین نرخ‌های بهره و کارمزد معاملات بانکی در کشور؛

- وضع مقررات اصولی نسبت به نگهداری حساب‌ها و تنظیم ترازنامه‌های بانکها؛

- نظارت بر امور بانکها و مراقبت کلی در جریان و شیوه

اداره بانکها از نظر حفظ منافع عمومی و حقوقی مشتریان آنها؛

- اعطای اجازه تاسیس بانک جدید با سرمایه داخلی؛

- اعطای اجازه برای تقلیل سرمایه بانک یا انتشار اوراق

وام.

سپس تحولات سریع بانکداری و اهمیت روزافزون نقش بازار پول و سرمایه در اقتصاد کشور در دهه سی، تدوین مقررات جامعی را که ناظر بر عملیات نظام بانکی و پولی باشد، اجتناب‌ناپذیر ساخت. از اینرو، پس از بحث و اظهارنظرهای گوناگون، لایحه "اساسنامه بانکی و پولی ایران" در تاریخ دهم آذرماه ۱۳۳۸ به صورت ماده واحده‌ای به مجلس شورای ملی تقدیم گردید و در بیست‌وسوم اسفندماه همان سال، طی قانون اعطای اختیار به کمیسیون‌های مشترک دارایی و دادگستری مجلسین، به این کمیسیون‌ها اختیار داده شد که لایحه بانکی و پولی کشور را تصویب نمایند.

در طول دوره فعالیت بانکی در ایران، حتی در مقطعی که مقام پولی مستقل (بانک مرکزی) در کشور وجود نداشت، مسوولیت هدایت شبکه بانکی و نظارت بر آن، به هیچ نهاد یا دستگاه دولتی دیگر واگذار نشده است.

تبیین و تفکیک وظایف

همانگونه که پیشینه تاریخی فعالیت‌های بانکی در کشور گواهی می‌دهد، در طول دوره فعالیت بانکی از ابتدا تاکنون، حتی در مقطعی که مقام پولی مستقل (بانک مرکزی) در کشور وجود نداشت، مسوولیت هدایت شبکه بانکی و نظارت بر آن، به هیچ نهاد یا دستگاه دولتی دیگر واگذار نگردید، بلکه یک بانک تجاری عهده‌دار انجام آن گردید.

نکته شایان توجه آن که پس از تاسیس بانک مرکزی، در سال ۱۳۴۵، به موجب "قانون تاسیس بورس اوراق بهادار" بورس اوراق بهادار تهران تشکیل شد و مسوولیت هدایت، مدیریت و نظارت ارکان اصلی بازار سرمایه کشور - یعنی شورای بورس و هیات پذیرش اوراق بهادار - نیز به عهده رییس کل بانک مرکزی و قائم‌مقام آن نهاد شد.

به موجب مصراحت بند "الف" ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور (مصوب سال ۱۳۵۱)، بانک مرکزی مسوول تنظیم و اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری می‌باشد و براساس مفاد بند "ب" همین ماده، هدف آن حفظ ارزش پول و موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصاد کشور تعیین شده است، این در حالی است که به موجب ماده نخست قانون تشکیل وزارت امور اقتصادی و دارایی (که دو سال پس از تصویب قانون پولی و بانکی کشور به تصویب رسیده است) این وزارتخانه به منظور تنظیم سیاست‌های اقتصادی و مالی کشور و ایجاد هماهنگی در امور مالی و اجرای سیاست‌های مالی و تنظیم و اجرای برنامه همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک با دیگر کشورها، تشکیل گردیده است. به موجب ماده ۵ همین قانون، تنها مرکز جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی (سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران) از بانک مرکزی منفک شد و به این وزارتخانه انتقال یافت. بدین ترتیب، وظایف این دو دستگاه به روشنی در قوانین مختلف ذکر شده است.

اما پس از شکوفایی انقلاب اسلامی، وزارت امور اقتصادی و دارایی به لحاظ ملی‌شدن بانک‌ها، نسبت به شبکه بانکی احساس مالکیت نموده و در پاره‌ای موارد در آن مداخله مالکانه می‌نماید، حال آنکه در همان مقطع نیز به موجب لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها (مصوب سال ۱۳۵۸) و اصلاحیه آن، در عمل امور کارشناسی مربوط به هدایت و نظارت بر بانک‌های ملی‌شده به عهده بانک مرکزی نهاد شد. همچنین، به موجب تبصره "ب" ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا (پهره) (مصوب سال ۱۳۶۲) به صورت صریح و روشن بانک‌ها پیرامون شیوه به‌کارگیری سپرده‌ها، وکیل و امین مردم تشخیص داده شده‌اند؛ از اینرو، از آنجا که مکلف‌نمودن وکیل به استفاده از اموال موکل در غیرمورد وکالت، توجیه شرعی نمی‌تواند داشته باشد، لذا هیچ

"قانون بانکی و پولی کشور" در تاریخ هفتم خردادماه ۱۳۳۹ به تصویب رسید و به دولت ابلاغ شد تا برای مدت پنج سال به طور آزمایشی به موقع اجرا گذاشته شود.

براساس وظایف و اختیارات مندرج در فصل سوم این قانون، بانک مرکزی ایران با سرمایه سه میلیارد و ششصد میلیون ریال از محل تفاوت ارزیابی پشتوانه تاسیس شد و در تاریخ هیجدهم مرداد ماه ۱۳۳۹ رسماً عملیات بانکداری مرکزی را آغاز نمود. بدین ترتیب، با شروع فعالیت بانک مرکزی، کلیه وظایف و مسوولیت‌ها و اختیارات ویژه بانکداری مرکزی از بانک ملی ایران منتزع شد و در بانک مرکزی تمرکز یافت.

بند ۱ ماده ۲۸ قانون بانکی و پولی کشور

به منظور حفظ ارزش پول و تنظیم اعتبارات، موسسه مستقلی به نام بانک مرکزی ایران تشکیل می‌گردد که دارای حق انحصاری انتشار اسکناس و پول فلزی خواهد بود.

"قانون بانکی و پولی کشور" مصوب سال ۱۳۳۹ که نخستین تجربه کشور در زمینه اتخاذ یک سیاست پولی و جامع بانکداری مرکزی بشمار می‌آید، از نظر قدرت کنترل و هدایت فعالیت‌های بانکی و ضمانت اجرای مقررات موضوعه، دارای نقایص بسیاری بود. بدین لحاظ، از سال ۱۳۴۲ بانک مرکزی درصدد تجدیدنظر برآمد و مطالعاتی را آغاز کرد و ضمن بررسی مشکلات موجود، مذاکره و تبادل نظر با دستگاه‌های ذینفع و ذیصلاحیت و همچنین با متخصصان امور بانکی و پولی کشور انجام شد و با اطمینان نظر به نیازهای آینده اقتصادی کشور، طرح لایحه جدید پولی و بانکی کشور تهیه شد. بر این اساس، در نهایت لایحه پولی و بانکی کشور در تاریخ هفتم تیرماه ۱۳۵۱ از تصویب مجلس سنا و در تاریخ هیجدهم همان ماه از تصویب مجلس شورای ملی گذشت؛ و از روز هشتم شهریور ماه همان سال به اجرا درآمد.

بندهای "الف" و "ب" ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور

الف - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مسوول تنظیم و اجرای سیاست پولی و اعتباری براساس سیاست کلی اقتصادی کشور می‌باشد.
ب - هدف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حفظ ارزش پول و موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی کشور است.

پس از انقلاب اسلامی و ملی‌شدن بانک‌ها، وزارت امور اقتصادی و دارایی نسبت به شبکه بانکی احساس مالکیت نموده و در پاره‌ای موارد، در آن مداخله مالکانه می‌نماید، حال آنکه...

دارد، هر روز طرفداران بیشتری پیدا می‌کند، به گونه‌ای که طی دو دهه اخیر در ۳۰ کشور جهان، قانون به منظور تقویت استقلال بانک مرکزی، مورد تجدیدنظر و بازنویسی قرار گرفته است. این تلاش‌ها هم در کشورهای صنعتی (انگلستان، فرانسه، بلژیک و ایتالیا) و هم در کشورهای آمریکای لاتین (آرژانتین، شیلی، مکزیک و ونزوئلا) و هم در جمهوری‌های اتحاد شوروی سابق (لیتوانی، اوکراین و بلاروس) و هم در کشورهای اروپای شرقی (جمهوری چک، مجارستان و لهستان) انجام پذیرفته است.

از سوی دیگر، در رابطه با بانک‌های مرکزی دو مفهوم از استقلال وجود دارد: از بُعد هدف و از بُعد ابزاری. در استقلال هدف، بانک مرکزی اهداف خود را تعیین می‌کند و از ابزار موجود برای رسیدن به آنها استفاده می‌نماید. اما در مورد استقلال ابزاری، هدف‌ها را دولت تعیین می‌کند و بانک مرکزی در استفاده از ابزارهای سیاست‌گذاری در دسترس خود برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده کاملاً آزاد است. همچنین، بانک مرکزی هیچ تعهدی برای تامین مالی بودجه دولت ندارد.

شایان ذکر است که مفهوم استقلال، افزون بر تمایز بین استقلال ابزاری و استقلال هدف، نیاز به طبقه‌بندی بیشتر دارد. باید بین استقلال قانونی - که از حوزه حقوقی نشأت می‌گیرد - و استقلال واقعی - که بستگی به اعمال واقعی و نیز روش تفسیر و اعمال قانون دارد - تمایز قایل شد. برای مثال، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به سختی می‌توان میزان واقعی استقلال بانک مرکزی را تنها از طریق قانون بانک مرکزی ارزیابی کرد، زیرا به رغم وجود متون قانونی بسیار متقاعدکننده، در عمل چنین استقلالی وجود خارجی ندارد. از سوی دیگر، در برخی از کشورها تکالیف گنجانیده‌شده در قانون رسمی بانک مرکزی چندان قوی نیست، اما میزان واقعی استقلال بسیار چشمگیر است. در مجموع، موضوع استقلال یک موضوع حقوقی نیست، بلکه موضوع عملی است.

داده‌ها نشان می‌دهد که شواهد قدرتمندی وجود دارد که در مجموع، کشورهای دارای بانک مرکزی مستقل از عملکرد اقتصادی بهتری برخوردار بوده‌اند و به‌طور خاص نسبت به کشورهای با درجه کمتر استقلال، تورم کمتری را تجربه کرده‌اند.

نظارت بر بانک‌ها

یکی از مباحث بحث‌انگیز پیرامون استقلال بانک مرکزی، این است که آیا عملکرد نظارت بر بانک‌ها باید برعهده بانک مرکزی باشد یا خیر؟ در اغلب کشورها، نظارت بر بانک‌ها از وظایف و اختیارات بانک مرکزی است. برپایه یک رویکرد، سیاست پولی برای موثر بودن باید در

مقامی نمی‌تواند بانک‌ها را مکلف به انجام سرمایه‌گذاری با سپرده‌های مردم در مواردی بنماید که به تشخیص بانک زیان‌آور است. بدین ترتیب، این قانون نیز بر استقلال سیستم بانکی دلالت دارد.

در این راستا، مطابق نص صریح بند "ب" ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور "نظارت بر بانک‌ها و موسسه‌های اعتباری" از جمله وظایف بانک مرکزی است و براساس ماده ۱۴ همین قانون، بانک مرکزی در حسن اجرای نظام پولی کشور - در چارچوب مقررات تعیین‌شده - مجاز به دخالت و نظارت در امور پولی و بانکی کشور می‌باشد. افزون بر این، شورای پول و اعتبار به عنوان یکی از ارکان بانک مرکزی، وظیفه دارد که به دولت در مسایل بانکی، پولی و اعتباری کشور که به نظر شورا در وضع اقتصادی و به‌خصوص در سیاست اعتباری کشور موثر خواهد بود، توصیه نماید.

به‌علاوه، به موجب قانون پولی و بانکی کشور، وظیفه بانک مرکزی در زمینه نظارت بر بانک‌ها، عام است و از مرحله تاسیس تا انحلال بانک‌ها را دربرمی‌گیرد و شیوه تاسیس، شرایط و نحوه فعالیت بانک‌ها و همچنین ترتیب انحلال و ورشکستگی و مقررات کیفی و انتظامی آنها در مواد ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۹، ۴۲ تا ۴۴ همین قانون مشخص شده است.

استقلال بانک مرکزی

در جهان کنونی، بانک‌های مرکزی به عنوان مسوولان اصلی کنترل تورم شناخته شده‌اند؛ و مساله استقلال این بانک‌ها - مقام‌های پولی - از مباحث بحث‌انگیز طی دهه‌های اخیر بوده است.

امروزه اهمیت و نقش روزافزون بانک مرکزی در اقتصاد داخلی و خارجی کشورها مشخص‌تر شده و مشاهده می‌شود که همراه با تحول و تکامل اقتصادی و به‌ویژه با افزایش فزاینده نقش پول و ارزش برابری آنها، وظایف بانک مرکزی نیز تکامل شایان توجهی پیدا کرده و سهم و جایگاه تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد یافته است. بدیهی است که یک بانک مرکزی زمانی در اجرای اهداف و وظایف خویش موفق می‌شود که از استقلال کافی برخوردار باشد و از هرگونه نفوذ و دخالت برکنار بماند.

بررسی دو گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته در زمینه استفاده از معیارهای کمی، نمایانگر آن است که در کشورهایی که دارای بانک مرکزی با استقلال بیشتری هستند، دولت دارای نظم مالی است و متکی بر منابع بانک مرکزی نیست و در نتیجه، نرخ تورم در این کشورها سیر نزولی طی نموده است.

توافق عمومی درباره این باور که کاهش نظام‌مند تورم بستگی به سیاست پولی اتخاذشده توسط بانک مرکزی مستقل

هیچ مقامی نمی‌تواند بانک‌ها را مکلف به انجام سرمایه‌گذاری با سپرده‌های مردم در مواردی بنماید که به تشخیص بانک زیان‌آور است.

سرمایه، می‌توانند تبدیل به بحران بانکی شوند. مقام‌های پولی که مایل هستند از اعتبار خود دفاع کنند و تاثیرپذیری سیاست‌های خود را افزایش دهند، انگیزه فراوانی برای حصول اطمینان از سلامتی نظام بانکی دارند. از اینرو، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که دو هدف ثبات قیمت‌ها و بانکداری سالم، مکمل یکدیگر هستند و شمول وظیفه نظارت بر بانک‌ها در بانک مرکزی، می‌تواند رسیدن به هدف اصلی بانک را تقویت کند.

حاصل پاره‌ای از تحقیقات دانشگاهی هم نشان می‌دهد که استقلال قانونی برای بانک مرکزی در ایران، از شرایط لازم برای کنترل بهینه تورم است، در حالی که شرط کافی آن انضباط مالی دولت و بهبود ساختار بودجه می‌باشد. از اینرو، برای دستیابی به یک اقتصاد باثبات و استفاده کارا از سیاست‌های پولی تقریباً مستقل، نقطه شروع اصلاحات، به جای بخش پولی

جریان روز آمدترین داده‌ها و اطلاعات مربوط به بخش بانکی قرار گیرد. بر این مبنا، مطمئن‌ترین شیوه‌ای که بانک مرکزی می‌تواند از دسترسی به موقع به این اطلاعات اطمینان حاصل نماید، شمول وظیفه نظارت بر بانک‌ها در حیطه اختیاراتش است، حال آن که، دلیل قرارگرفتن مسوولیت نظارت بر بانک‌ها در حیطه وظایف بانک مرکزی، فراتر از دسترسی به داده‌ها و اطلاعات جاری است. درواقع، همسویی فراوانی بین هدف ثبات اقتصاد کلان - که وظیفه اصلی بانک مرکزی است - با هدف ترغیب یک نظام بانکی سالم و باثبات - که وظیفه اصلی نظارت بر بانک‌هاست - وجود دارد.

رابطه بین این دو هدف، متقابل و دوطرفه است: از یک سو، بحران‌های بانکی موجب هزینه‌های گزاف می‌شوند و به اختلالات کلان اقتصادی منجر می‌شوند؛ و از سوی دیگر، اختلالات اقتصادی، به‌ویژه در محیط جهانی شدن بازارهای

قوانین و مقررات نظارتی - بانکی در ایران

مقطع زمانی	نهاد نظارتی	قوانین و مقررات ناظر
پیش از شروع بانکداری نوین (پیش از سال ۱۲۶۶)	خودکنترلی	عرف و رویه بازار
دوره فعالیت بانک‌های خارجی	—	امتیازنامه
فاصله بین تاسیس بانک ملی تا بانک مرکزی (۳۹-۱۳۰۷)	بانک ملی ایران	۱- تصویب نامه‌های هیات وزیران ۲- اساسنامه بانک‌ها ۳- قانون بانکداری (مصوب سال ۱۳۳۴)
فاصله سال‌های ۵۱-۱۳۳۹	بانک مرکزی ایران	۱- قانون بانکی و پولی کشور (مصوب سال ۱۳۳۹) ۲- قانون تجارت ۳- اساسنامه بانک‌ها
فاصله سال‌های ۶۲-۱۳۵۱	بانک مرکزی ایران	۱- قانون پولی و بانکی کشور (مصوب سال ۱۳۵۱) ۲- قانون تجارت ۳- اساسنامه بانک‌ها ۴- قانون ملی شدن بانک‌ها و اصلاحیه آن ۵- لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها و متمم آن
از سال ۱۳۶۳	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران	۱- قانون پولی و بانکی کشور ۲- قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) ۳- قانون تجارت ۴- اساسنامه بانک‌ها ۵- قانون ملی شدن بانک‌ها و اصلاحیه آن ۶- لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها و متمم آن ۷- قانون اجازه تاسیس بانک‌های غیردولتی (مصوب سال ۱۳۷۹) ۸- قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی (مصوب سال ۱۳۸۳) ۹- موادی از قوانین برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

بانک مرکزی هیچ تعهدی برای تامین مالی بودجه دولت ندارد.

منابع

- (۱) حسن‌زاده، علی و ارضروم چیلر، نسرین / چهار مقاله پیرامون بانکداری مرکزی / چاپ اول / پژوهشکده پولی و بانکی / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۸۲.
- (۲) کمیجانی، اکبر / دیدگاه‌های نظری و پیش‌نیازهای لازم برای نیل به استقلال بانک مرکزی با هدف مهار تورم و ثبات قیمت‌ها / مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی / چاپ اول / موسسه عالی بانکداری ایران / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۸۳.
- (۳) معدلت، کورش / بررسی جایگاه و ساختار مطلوب بانک مرکزی / تازه‌های اقتصاد / شماره ۹۷ / بهمن ۱۳۷۹ / صفحات ۹ و ۱۰.
- (۴) والی‌نژاد، مرتضی / مجموعه قوانین و مقررات بانکی / چاپ اول / مرکز آموزش بانکداری / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۶۸.
- (۵) والی‌نژاد، مرتضی / مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر بانک‌ها و موسسه‌های اعتباری (۲ جلد) / چاپ دوم / پژوهشکده پولی و بانکی / ۱۳۸۴.

باید به بخش مالی انتقال یابد، یعنی اصلاح ساختاری در حساب‌های دولت و بودجه عمومی، و سپس تعیین وضعیت‌های حقوقی و قانونی بانک مرکزی.

در ایران، استقلال واقعی بانک مرکزی بدون ایجاد سایر اصلاحات موردنیاز در بخش عمومی کشور، در عمل امکانپذیر نیست و این اصلاحات لازم و ملزوم یکدیگرند.

یادآوری می‌کند که در راستای مباحث مطروحه پیرامون: (۱) ضرورت تفکیک بازارهای پول و سرمایه در کشور؛ و (۲) لزوم استقلال بانک مرکزی، در سال ۱۳۸۳ "قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی" هم به تصویب رسید که طی آن، ضمن تاکید مجدد بر ضرورت نظارت بانک مرکزی بر بازار متشکل و غیرمتشکل پولی، دیگر بار، بر نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری و مصوبه‌های شورای پول و اعتبار توسط بانک مرکزی صحنه نهاده شد و به موجب ماده ۳ همین قانون، به منظور فراهم آوردن امکان نظارت بیشتر برای بانک مرکزی، تنها ریاست شورای بورس از این بانک منفک شد و به وزیر امور اقتصادی و دارایی انتقال پیدا کرد.

برگه اشتراک

تاریخ.....

نام و نام خانوادگی مشترک:

سن:

تحصیلات:

شغل:

شماره‌های درخواستی: از شماره

تا شماره

نشانی پستی:

شماره تلفن تماس:

مشترک گرامی

* هزینه اشتراک مجله برای ششماه ۲۴۰۰۰ ریال و برای یک سال ۴۸۰۰۰ ریال است. لطفاً هزینه اشتراک را به حساب بانکی شماره

۲۷۸۹۰۳۰۰۱ نزد شعبه سامان بانک تجارت (کد ۳۲۴) واریز کنید و فتوکپی رسید بانکی را همراه با برگه اشتراک تکمیل شده به نشانی

زیر بفرستید:

تهران / خیابان حجاب / کوچه سوم / شماره ۱۱+۲ / صندوق پستی: تهران / ۱۴۱۵۵-۵۵۴۸